

اقتصاد آلمان رویاروی بیم‌ها و امیدها

مرحله نخست تغییر مقررات رفاه اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی در آلمان به تصویب رسید. در صورت نهائی شدن مقررات جدید، مزایای رفاه و حمایت‌های اجتماعی برای آلمانی‌ها کاهش خواهد یافت. این کاهش‌ها می‌تواند بر اقتصاد آلمان تأثیر منفی بگذارد؟ ترجمه تفسیری که در زیر ارائه شده می‌کوشد پاسخی برای این پرسش ارائه دهد:

●●●

کشورهای صنعتی جهان عموماً در صدد ایجاد تحول در نظام رفاه اجتماعی خود، برای رویارویی با رقابت‌های بین‌المللی در صدد دگرگون ساختن چارچوبهای اقتصاد خود هستند. در بسیاری از این کشورها حکومتها در آستانه کسب موفقیت برای اجرای چنین برنامه‌هایی با هرج و مرجهای اجتماعی بی‌سابقه‌ای روبرو شدند. در زمستان گذشته حکومت فرانسه که قصد داشت در برنامه‌های رفاه اجتماعی تغییراتی ایجاد کند و آن را با مفاد معاهده ماستریخت و پول واحد اروپائی تطبیق دهد، با اعتراضهای گسترده کارکنان بخش دولتی مواجه شد که ضربات مهلکی به اقتصاد فرانسه وارد آورد و سرانجام حاکمان این کشور را وادار به عقب‌نشینی کرد. در سالهای ۱۹۸۰ انگلستان با اوضاعی شاید متشنج تراز فرانسه روبرو بود. در آن سالها حکومت اتم تاجر که در صدد بود از بودجه رفاه اجتماعی بکاهد با اعتصاب کارگران معدن که یکسال طول کشید مواجه شد و امروز آلمان هم گام در همان راه نهاده و در آستانه ایجاد چنان تحولاتی در زمینه امور اقتصادی قرار دارد که در دهه‌های اخیر سابقه نداشته است.

هلموت کوهل صدر اعظم آلمان پیشنهاد کرده است تنها در سال آینده مبلغ هنگفت هفتاد میلیارد مارک (چهل و شش میلیارد دلار) از هزینه‌های عمومی کاسته شود. قوانین خاصی که بازار انرژی را کنترل می‌کنند کنار گذاشته شود و تغییراتی در ساعات کار ایجاد گردد. عکس‌العمل در مقابل پیشنهادهای کوهل عاجل بود و بسیاری از کارگران آلمانی در روز اول ماه مه (روز جهانی کارگر) به خیابانها ریختند. مخالفان کوهل او را سرزنش می‌کردند که مدل موفق اقتصادی-اجتماعی آلمان را که مورد ستایش و تحسین جهانیان بود به مخاطره انداخته است. در این مدل همکاری میان احزاب، حکومت‌های محلی و فدرال، اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان تصویری روشن از یک همبستگی مستحکم اقتصادی-اجتماعی

ارائه می‌داد که هرگونه دستکاری در آن عواقبی غیرقابل پیش‌بینی را موجب می‌شد.

در پنج سال گذشته آلمان با ضربه‌ای مهلک که هیچ کشور اروپائی با مشابه آن روبرو نبود مواجه شد و آن پیوستن شانزده میلیون آلمانی ساکن آلمان شرقی به آلمان فدرال بود که استاندارد زندگی‌شان یک پنجم پائین تر از مردم بخش غربی آلمان بود. جریان انتقال سرمایه از غرب به شرق آلمان سالیانه به دوپست میلیارد مارک بالغ می‌شد که می‌بایست تحت یک نظارت دقیق باشد تا موجبات تورم را فراهم نیاورد. این نظارت موجب شد که از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ نرخ تورم تقریباً ثابت بماند و رشد اقتصادی آلمان به یک و نیم درصد، یعنی قدری بالاتر از میانگین آن در اروپا و ژاپن برسد. سیاست ادغام دو آلمان گرچه سیاستی موفق بود ولی ضرباتی سهمگین بر پیکر اقتصاد آلمان وارد آورد که هنوز هم ادامه دارد. آهنگ پیشرفت اقتصادی که آلمان برای پانزده سال آینده در نظر گرفته بود به دلیل این ادغام تقریباً متوقف شد، کارآئی کسب و کار از نصف میانگین آن از سال ۱۹۷۹ به بعد پائین تر رفت. صادرکنندگان که درگیر ادغام دو آلمان بودند ۹ سال از ده سال گذشته را با از دست دادن بازارهای صادراتی خود مواجه بودند. شش مؤسسه بزرگ اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند که رشد اقتصادی آلمان در سال جاری به زحمت به هفتاد و پنج صدم درصد خواهد رسید و تصور نمی‌رود ایجاد تغییرات عاجل در مدل اقتصادی-اجتماعی کنونی بتواند این رقم را افزایش دهد؛ دلیل آن هم تأثیر عمیقی است که ضربه ناشی از اتحاد دو آلمان بر پیکر اقتصادی این غول صنعتی به جای گذاشته است.

مجموعه‌های «هم تصمیمی»

در بطن مدل اقتصاد بازار اجتماعی آلمان سیستمی به کار گرفته شده که می‌توان آن را «هم تصمیمی» توصیف کرد. براساس قوانین موجود در آلمان کارکنان هر مؤسسه بزرگ نیمی از صندوقهای هیأت مدیره را که اختیار استخدام و اخراج مدیران سطح بالای شرکت را دارد، در اختیار دارند. مقامات

احرازکننده این صندوقها در حقیقت رابطهای بلافصل میان هیأت مدیره و کارکنان شرکت به شمار می‌روند و به دلیل داشتن چنین وظیفه‌ای حساس در موفقیت و یا ناکامی یک شرکت نقشی اساسی دارند. این شرکتها و بانکهایی که با آنها کار می‌کنند در سهام یکدیگر شریکند و به این ترتیب هم شرکت و هم بانک از ضربه‌هایی که ممکن است سهامداران دیگر و یا بورس اوراق بهادار بر شرکت وارد کنند تا حدودی مصون می‌مانند. شریک سیاسی این مجموعه سیستمی است که دولت فدرال برای تمرکززدائی بر آن اعمال می‌کند. این سیستم نوعی حمایت‌های دولتی را در مورد مجموعه‌های گفته شده به مورد اجرا می‌کند تا این مجموعه‌ها را هرچه بیشتر در مقابل ضربه‌های ناشی از بحرانهای اقتصادی مصون نگاهدارد. این مجموعه‌های «هم تصمیمی» هم از حمایت حزب سوسیال دمکرات و هم دمکرات مسیحی آلمان برخوردار است، چرا که در آن هم نمایندگان اتحادیه‌های کارگری و هم کارفرمایان و بانکداران و سهامداران و دولت دست به دست هم داده‌اند تا حداکثر مصونیت اقتصادی شرکت‌های بزرگ را تضمین کنند.

به رغم ضربه ناشی از اتحاد دو آلمان سیستم اقتصاد بازار اجتماعی آلمان تا این لحظه نجات یافته تلقی می‌شود. از سال ۱۹۹۰ احزاب بزرگ آلمان علیرغم اختلافهای گذشته بیشتر به یکدیگر نزدیک شده‌اند و همچنین ترتیباتی که در این سیستم بکار گرفته شده روابط کارگران و کارفرمایان را به طور چشم‌گیری بهبود بخشیده است و هر دو توافق ضمنی کرده‌اند که برتری نقش اتحادیه‌های کارگری که تأثیر

چگونگی
مراقبت زیبایی
و بهداشت مو با
عصاره‌های
طبیعی گیاهان

در صفحه ۶۴

اساسی در تعیین سطح دستمزدها دارد در کل سیستم حفظ شود. این توافق در محدوده‌های خاص از صنایع آلمان انجام نشده بلکه در کل صنایع در شانزده ایالت پذیرفته شده است و در ایالات جدید آلمان شرقی نیز بدون هیچ تغییری اعمال می‌شود.

حامیان این سیستم هیچگونه تغییر در آن را تجویز نمی‌کنند. آنها می‌گویند ایجاد تغییر در هر یک از عناصر ساختاری سیستم، بر کل سیستم اثر منفی می‌گذارد و آنها را در ورطه سیاستهای نامطمئن و ناموفقی که انگلستان و امریکا با آن روبرویند فرو می‌برد، و سپس نتیجه می‌گیرند که ادامه کار سیستم اقتصادی بازار اجتماعی شرایط ایمنی و ثبات بیشتر را برای فعالیتهای شرکتی بزرگ تأمین می‌کند.

هلموت کوهل و حامیانش به دنبال ایجاد یک سلسله تغییرات در این سیستم هستند و تأکید می‌کنند این تغییرات دولتی به بدنه سیستم آسیب نمی‌رساند ولی برای ادامه کار آن الزامی به نظر می‌رسد. کوهل در برابر اعضای پارلمان گفته است:

«مفاهیم جدید الزاماً به معنی حذف مفاهیم موجود نیست، اگر امروز دست به اصلاح و تغییر در سیستم موجود نزنیم مشاغل بیشتری از دست خواهد رفت که نتیجه آن غیراقتصادی شدن نظام رفاه اجتماعی است.»

کوهل ایجاد تغییرات را نه در کل بدنه سیستم بازار اجتماعی، بلکه در زنجیره حکومت فدرال، حکومتهای محلی و سیستم تأمین اجتماعی توصیه می‌کند. پاره‌ای از این تغییرات شرایط بسیار مرفه کنونی کارگران را تهدید می‌کند و پاره‌ای دیگر بر بیکاری و طرحهای بیمه‌های درمانی اثر می‌گذارند. تغییرات کوهل در بخش‌هایی که در زیر می‌آید توصیه می‌شود:

- کاهش هزینه‌های حقوق بیکاری
- کاهش پرداختهای بیمه‌های درمانی از صد در صد حقوق پایه به هشتاد درصد
- محدود کردن سوسیدهای دولتی برای درمانهایی که باید در باشگاهها و مؤسسات تندرستی نظیر مؤسساتی که در کنار دریا و یا مناطق کوهستانی ایجاد شده صورت گیرد، کوهل پیشنهاد می‌کند استفاده از این تسهیلات که در حال حاضر چهار هفته در هر سه سال است به سه هفته در هر چهار سال تغییر داده شود.
- به تأخیر انداختن پرداخت ده درصد افزایش حق اولاد
- افزایش تدریجی سن بازنشستگی برای بانوان از ۶۰ سال به ۶۳ سال و اجرای آن از سال آینده و سن مردان از ۶۳ به ۶۵ سال و اجرای آن از سال دو هزار
- حذف پرداختها به کارکنان برای روزهای تعطیل و اضافه کاری به صورت کنونی
- حذف ضمانت شغلی در شرکتی با کمتر از ده پرسنل

وزیران کابینه کوهل، رهبران اتحادیه‌های کارگری و نمایندگان کارفرمایان در ژانویه گذشته بلافاصله پس از درخواست صدراعظم برای انجام این تغییرات گرد هم آمدند.

در این نشست گونتر رکسروت وزیر اقتصاد آلمان با لحنی مغرور ولی انفعالی گفت: «در کشورهای دیگر بر خوردهای تلخی در بحث‌های مربوط به ایجاد تغییرات در شرایط رفاه اجتماعی دیده شده است ولی ما به کمک صدراعظم خود امید داریم راه صحیحی برای ایجاد چنین تغییراتی پیدا کنیم.» ولی با توجه به وسعت تغییرات پیشنهادی به نظر نمی‌رسد دارندگان منافع در سیستم رفاه اجتماعی آلمان به سادگی از روی آن بگذرند و مخالفان آن ممکن است در مخالفت‌های خود با این تغییرات تا جایی پیش بروند که کل سیستم رفاه اجتماعی را در معرض تهدید قرار دهند.

چنانچه همه تغییرات پیشنهادی به مرحله اجرا درآید حذف هزینه‌های دولتی ناشی از آن دو درصد از تولید ناخالص ملی را در سال آینده تشکیل خواهد داد که رقمی است بسیار بزرگ و با ارقامی که برای مارگارت تاجر در انگلستان و حکومت فرانسه حاصل می‌شد قابل مقایسه نیست. اصلاح شرایط رفاه اجتماعی موضوعی نیست که منحصر به مدل آلمانی باشد، بلکه در دستور کار بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد.

تفاوتی که آلمان با سایر کشورهای غربی دارد در این است که در پذیرفتن هزینه‌های رفاه و تأمین اجتماعی آنچنان سخاوتمندانه عمل کرده است که حالا پس گرفتن بخشی از آن - هر چه قدر هم ناچیز - با مشکلاتی بزرگ روبرو خواهد بود. از این گذشته چون سیستم رفاه اجتماعی آلمان در زنجیره همکاریهای اتحادیه‌های کارگری - کارفرمایان و دولت قرار دارد ایجاد هر تغییری در آن به کل این زنجیره اثر خواهد گذاشت. این آثار خیلی زود ظاهر شد؛ گرچه آقای کوهل وعده داده بود که اجازه نخواهد داد گستردگی تغییرات، ضربات سخت بر پیکره سیستم بازار اجتماعی وارد آورد، اما وعده‌های او به اتحادیه‌های کارگری نتایج مورد نظر صدراعظم را تأمین نکرد و مذاکرات نمایندگان دولت و رهبران اتحادیه‌های کارگری در مورد پذیرفتن تغییرات با

شکست روبرو شد. دولت که در آستانه شکست قرار داشت با چرخشی ماهرانه تقریباً مسئولیت را از خود سلب کرد و تصویب تغییرات را به عهده پارلمان گذاشت. با اینهمه غرض اتحادیه‌های کارگری از یکسو و مخالفت‌های حزب اقلیت سوسیال دمکرات از سوی دیگر خاموش نشد. سوسیال دمکراتها اعلام کردند: **«کوهل علیه عدالت اجتماعی اعلان جنگ داده است.»** حتی در درون ائتلاف حاکم، عده‌ای از وزیران دمکرات مسیحی و دمکراتهای آزاد ضمن حمایت از کوهل نسبت به موفقیت طرح او اظهار تردید کردند. مخالفت محافل گوناگون با طرح تغییرات بر دو عنصر مهم تشکیل اقتصاد بازار اجتماعی اثر فوری گذاشت یکی بر حساسیت احزاب سیاسی و خوشبینی‌هایی که نسبت به صدر اعظم داشتند، و دیگری بر بخش بسیار حساس تأمین و رفاه اجتماعی، این یکی به تنهایی می‌توانست کل سیستم را تهدید به ویرانی کند، روابط اتحادیه‌های کارگری را با کارفرمایان زیر و رو و با دولت از بیخ و بن تیره کند. می‌بینیم که سیستم هم بسته بازار اجتماعی در درون خود این ضعف را دارد که ناراضی‌های عصری از عناصر هم بسته آن می‌تواند فروپاشی کل سیستم را به دنبال داشته باشد.

مأخذ: اکونومیست ۴ مه ۱۹۹۶
برگردان از سرویس ترجمه «گزارش» □

شرکت مهندسی منابع آب

(وابسته به وزارت نیرو)



ایستگاههای هواشناسی و هیدرومتری
حتماً به چکاپ نیاز دارند

خدمات ما:

- مجوز نمودن ایستگاههای فوق‌الذکر به کلیه تجهیزات مورد نیاز و تعمیرات.
- سازنده باران سنج لیاوت مجوز به دیتالگر، سرعت سنج و جهت سنج بلا مجوز به اندیکاتور و سیستم مونیتورینگ، باران سنج معمولی، جعبه اسکرین، مولین و میکرومولین مجوز به کامپوتر (سرعت سنج جریان آب)، جهت اندازظرفی (دبی رودخانه‌ها و انبار).
- دستگاه نوسان سنج مایعات مجوز به دیتالگر و سیاحت بعضی تجهیزات سدها.

تهران: میدان فاطمی - ساختمان سازستان سازستانکی

کشوری - طبقه ششم - شماره ۵۵

تلفن: ۸۸۵۴۶۱۹ - ۸۸۵۴۵۷۳ - ۸۸۵۲۶۱۱

فاکس: ۸۸۵۴۶۱۲